

بسمه تعالی

# أبو علی الفارسی

(۲۸۸-۳۷۷ق)

## « شریعه ادب »

به قلم مهدی جبرائیلی تبریزی

« الشيخ أبو علی الفارسی حسن بن احمد بن عبدالغفار بن محمد بن سلیمان بن ابان الفارسی الفسوی النحوی »<sup>۱</sup>

### اشاره

ابوعلی فارسی فسایی در سال ۲۸۸ هجری در شهر فسا زاده شد. پدر او از نژاد ایرانی و مادرش نسب به بنی شیبیان (شاخه ای از ربیعه الفرس) از قبیله های عربی می رسانید که به فارس مهاجرت کرده بودند.<sup>۲</sup>

---

۱. ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۴۷، تهران ۱۳۷۳.

## محل تولد

فسا (به پارسی میانه: پسا) نام شهری در ۱۴۵ کیلومتری جنوب شیراز واقع در استان فارس است. شهرهای سروستان، داراب، جهرم، استهبان در همسایگی فسا قرار دارند. قدمت این شهرستان دست کم به زمان هخامنشیان برمی‌گردد که در آن زمان نام این شهر پسه یا پسا بوده که پس از اسلام به فسا تبدیل می‌شود.

فسا را می‌توان به قدمتی بیش از ۷ هزار سال تخمین زد. از اشیاء کشف شده در سال ۱۳۹۱ در تل ضحاک و آزمایشات دانش پژوهان قدمت این شهر تاریخی را بیش از ۷۵۰۰ سال قبل بلکه بیشتر پنداشته‌اند.

زرتشت خورگان که استاد مزدک بوده، از اهالی این شهر است که سال‌ها در بیزانس (روم شرقی) بسر می‌برد و در آنجا با کتب فلسفی یونانی از جمله جمهوری افلاطون آشنایی پیدا کرد و تحت تأثیر اندیشه مدینه فاضله افلاطون قرار گرفت.

این شهر در دوران مختلف تاریخی دانشمندان برجسته‌ای در حوزه‌های گوناگون علمی و عملی را در خود پرورش داده و همواره روزگاران نامی پرآوازه داشته است.

شخصیت‌های سترگی مانند عیسی بن آبان بن صدقه، قرن سوم ه. مؤلف کتابهای الحج، الجامع و میرزا ابراهیم مجتهد فسایی، قرن دوازدهم و سیزدهم ه. مؤلف کتابهای بحر الحقایق، حاشیه بر معالم الاصول. حاشیه بر شرح لمعه و برخی از عالمان و فضالای سلسله مشایخ بحرینی مانند حاج شیخ محمد بحرینی، حاج شیخ موسی و حاج شیخ عبدالعلی. قاضی ابوالحسن علی بن احمد بن زبیر فسایی، ملقب به رشید، مؤلف شرح المفتاح لابن العاص الطبری ابی جعفر محمد فسایی قرن سیزدهم ه. مؤلف کتابهای حاشیه بر شرح لمعه دمشقیه و طایفه علمای آخوندی آخوند ملا امین، آخوند ملا محمد، آقا اسد شیخ محمد ملا باشی و طایفه علمای قاضیه میرزا محمد حسین قاضی، میرزا احمد قاضی، میرزا علی صدر.

## تبار

در مورد پدر و مادر وی اطلاعات زیادی در دسترس نیست اما تراجم نگاران گفته‌اند که از پدری ایرانی و مادری عرب از قبیله «سدوها» متولد شده است.

## ولادت

أبو علی در سال ۲۸۸ق در شهر نوبندگان (نوبندگان) فسا از توابع شیراز متولد شده است.

## گزارشی از نظام اجتماعی - فرهنگی دوران فارسی

فارسی در دوره حکومت آل بویه و در زمان عضدالدوله یا فناخسرو (پناه خسرو) یکی از امرای خاندان آل بویه در ایران و عراق زندگی می کرده است. ابو شجاع بزرگترین امیر این خاندان به شمار می رفت. ابوعلی فارسی در بغداد مشغول درس و بحث بود که ابوشجاع او را به شیراز فراخواند تا فرزندان برادر را درس بیاموزد. ابوعلی نیز پذیرفت و نزد عضدالدوله منزلت والایی یافت.

ابوعلی با شیخ مفید و شیخ طوسی و همچنین با متنبی شاعر بزرگ معاصر و باهم در ارتباط علمی بوده و شاگردان مشترکی داشته اند.

در روزگار ابوعلی نفوذ فلسفه یونان به تدریج نحو را نیز تحت تاثیر قرار داد. از این رو برخی از نحویان چون ابو علی فارسی و رمانی کوشیدند تا دستور زبان عربی را بر پایه های قواعد فلسفه استوار سازند. اینان که گویی بیش از هر چیزی سعی داشتند بنیادی ساده تر را جانشین نظریه عامل سازند، برای بیان مفاهیم و تعابیر مبهم خود، به روشها و اصطلاحات منطق ارسطویی متوسل شدند. اما هرگز توفیق نیافتند تا نظام تازه ای در دستور زبان عربی پدید آورند. این تلاشها در زمان ابن جنی به اوج خود رسید. بی شک خرد گرائی ابوعلی در مباحث نحوی و عنایت خاص وی به قیاس نیز زائیده همین اندیشه است. به گفته خودش در پنجاه مسأله لغوی مبتنی بر سناع اشتباه کرده، اما در یک مسأله قیاس هم به خطا نرفته است. آیین منطقی قیاس که به دست نخستین نحویان از جمله خلیل ابن احمد و سیبویه پی ریزی شده و در روزگار مبرد شکل گرفته بود، سرانجام به دست ابوعلی و رمانی و ابن جنی به کمال رسید. از این رو وی را باید سردمدار قیاس گرایان مکتب بصره دانست. عنایت بیش از حد وی به قیاس باعث پیچیدگی ها و ابهاماتی در آثار وی شده که برای همگان قابل فهم نیست. البته این بدان معنا نیست که وی به سماع توجه نداشته است، آثار او مشحون از مطالب مبتنی بر سماع است و او حدیث نبوی و شعر نوخاستگان (از جمله شعر ابوتمام) را که تا قبل از وی بدانها استناد نمی شد، به منابع سمعی افزود.<sup>۱</sup>

## تحصیلات

از دوران ابتدائی تحصیلات وی اطلاعاتی موجود نیست، اما پس از گذراندن آن دوران در فسا و شیراز در سن نوزده سالگی یعنی سال ۳۰۷ ه عازم بغداد شده و در آنجا در جهت تکمیل داشته های علمی و معرفتی، و تحصیل صرف و نحو و لغت و حدیث درغایت جهد و تلاش بوده است. چه بسا اوضاع سیاسی و آشفتگیهای ناشی از کشمکشهای داخلی در فارس یکی از عوامل اینمهاجرت بوده است. گرچه بغداد نیز در آن روزگار اوضاع و احوال مساعدتری نداشته است. اما از بزرگترین پایگاهها و مراکز علمی و ادبی بشمار می رفت و بسیاری از برجسته ترین دانشمندان در آنجا به تدریس علوم

<sup>۱</sup>. موسوی بجنوردی، کاظم، همان، ص ۴۹.

مختلف مشغول بودند . وی از همان آغاز به علم نحو ولغت روی آورد و «الکتاب» سیبویه و آثار لغوی ابوزید انصاری بویژه «النوار فی اللغه» را اساس کار خود قرار داد.<sup>۱</sup>

### بر قله علم و ادب

ابو محمد قاسم بن احمد اندلسی می گوید: در مسائلی از نحو که منسوب به ابن جنی بود دیدم که گفته بود: هرگز از ابوعلی شعری نشنیدم. جز روزی که یکی از شاعران نزد او آمده بود و نامی از شعر به میان آمد. ابوعلی گفت: من با خواندن این شعر شما را شاد می کنم و ابوعلی سه بیت را که درباره پیری به عربی سروده بود، خواند:

"خضبت الشیب لما کان عیبا  
و خضب الشیب اولی ان یعابا  
و لم اخضب مخافه هجر خل  
و لا عیبا خشیت و لا عتابا  
و لکن المشیب بدا ذمیما  
فصیرت الخضاب له عقابا"

ترجمه:

موهای سفید را حنا بسته ام اگرچه عیب به شمار آید و حنا گذاشتن بر موهای سفید بهتر از این است که عیب پیری بر من نهاده شود

و من از ترس جدایی دوست (مرد و زن) حنا نکردم و نه از عیب می ترسم و نه از سرزنش

ولی موهای سیاه مورد نکوهش است و من حنا را برای مجازات سفیدی موی سر، بر آن نهاده ام.

نقل شده است که جمعی پشت در خانه ابوعلی جمع شده بودند و او در را به روی آنها باز نمی کرد، یکی از آنها گفت که: «ای شیخ نام من عثمان است و تو می دانی که عثمان منصرف نمی شود، غلام او آمد و گفت که شیخ می گوید اگر نکره باشد منصرف می شود».<sup>۲</sup>

ابوعلی کتاب های بسیاری از جمله المقتضب، الغلط، امالی مبرد، الالفاظ اصمعی و اصول النحو ابن سراج را به دقت مطالعه و با موشکافی تمام به نقادی آنها پرداخت. وی ظاهرا دارای مکنت و مال بود و شرح ابوسعید سیرافی بر الکتاب سیبویه را در ۳۶۸ هـ هنگام عزیمت به بغداد دراهواز به دوهزار درهم خرید. این فراخ دستی او را در مراحل مختلف تحصیل یاری بسیار کرد، چه اینکه مبالغی که بعضی از استادان برای تدریس می گرفتند، برای همه کس قابل پرداخت نبود.

۱. موسوی بجنوردی، کاظم، همان.

۲. ریاض العلماء، عبدالله افندی، ج ۱ ص ۲۱۵، چ قم ۱۴۰۳ هـ.

در سال ۳۴۱ ه آتش سوزی مهیبی در بغداد روی داد که ثروتهای کلانی را طعمه خویش ساخت. این واقعه احتمالاً همان داستان آتش سوزی است که او برای ابن جنی نقل واز سوختن کتابها و آثار خویش نالیده است. این حادثه در وی تاثیر منفی گذاشته و او را مدتی به عزلت و گوشه گزینی وادار کرد. در پی این اتفاق بود که بغدا را به مقصد شهر حلب ترک کرد. ابتدا به موصل رفت ودر آنجا با ابن جنی که مخلص ترین شاگرد او بود، آشنا شد ابن جنی در این هنگام حدود بیست ساله بوده است. و با وی تا حلب آمد و تا سال ۳۴۷ق در آنجا نزد سیفالدوله حمدانی رفته و مدتی نزد وی رحل اقامت می گزیند. دربار سیفالدوله در این زمان عرصه رقابت ادیبان و شاعران و نویسندگان برجسته ای چون ابن خالویه، متنبی و ابو طیب لغوی بوده است. که همه می کوشیدند با فضل فروشی خود را برتر از دیگران نشان دهند تا بیشتر دردل امیر نفوذ کنند.

ابوعلی حدود پنج سال دربار سیف الدوله زیست ودر این مدت با بزرگان روزگار مانند متنبی و بویژه رقیب سرسختش ابن خالویه که کینه دیرینه ای با ابوعلی داشت، به مناظره علمی پرداخت. سرانجام رقابت میان دو هموار از حد مناظره فراتر رفت و به خصومتی شدید و تالیف کتاب در رد یکدیگر منجر شد. ظاهراً هم سیف الدوله بیشتر طره ابن خالویه را می گرفت، و سرانجام کار این شد که بخاطر نفوذ ابن خالویه در دربار، ابوعلی مجبور به ترک حلب می شود و در سال ۳۴۷ ه به دعوت عضدالدوله دیلمی بارسفر میندد. اما قبل از رسیدن به شیراز مدتی در دمشق و بغداد و نقاط دیگر به سر برد. او بیست سال در شیراز ماند. در سال ۳۵۴ ه متنبی نیز به دربار عضدالدوله پیوست. دوران زندگی ابوعلی در شیراز را باید دوران آرمش خاطر وی دانست بطوریکه آثار و تالیفات عمده اش در همان زمان نگارش یافت. هنگامی که عضدالدوله در سال ۳۶۴ عزم جنگ با پسر عمویش بختیاربان عزالدوله را اشت از ابوعلی خواست تا در این جنگ همراه او باشد اما وی به بهانه ای از رفتن سرباز زد. پس از مدتی عازم بغداد شده ودر آن دیار محفل درس را دائر کرد.<sup>۱</sup>

وی تقریباً هفتاد سال از عمر خود را کاملاً به تعلیم و تعلم پرداخت. در شهرهای مختلف همچون حلب، بغداد، بصره و شیراز از وی سؤالاتی بسیار کردند که درباره سؤالات هر یک از شهرها کتابی تصنیف کرد که "المسائل الشیرازیه"؛ "المسائل الکرمانیه" از جمله آنها است.

از خصوصیات نظریات علمی وی می توان؛ توجه به مبدأ و ریشه زبان دانست. او برخلاف بسیاری از اهل فن که برای زبان منشأ اجتماعی و قراردادی قائلند، به استناد کریمه ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾<sup>۲</sup> خداوند را منشأ زبان می داند و این جنی که خود از مخالفان این نظریه است، نظریه او را چنین توجیه می کند که خداوند علم و قدرت وضع زبان را به انسان داده است و بدین سان بین نظر استادش و کسانی که زبان را وضعی و قراردادی می داند، مغایرتی نمی بیند. اما در حقیقت مقصود ابوعلی این نیست. او همانند استادش اخفش معتقد است که خداوند زبانهای مختلف را به آدم آموخت، سپس فرزندان او در سراسر عالم پراکنده شدند و از آنجا اختلافات گویشی پدید آمد.

۱. موسوی بجنوردی، کاظم، همان.

۲. بقره: ۳۱.

ابوعلی در آواشناسی نیز نظریات خاصی دارد و معتقد است که حرکت همزمان با حرف پدید می آید چنانکه می گوید :  
« گرچه مخرج نون ساکن خیشوم است ، اما زمانی که متحرک می شود ، مخرجش از خیشوم به دهان منتقل می گردد  
».

## اساتید

۱. ابن سراج : ابوبکر محمد بن سری سهل نحوی ۳۱۶ هـ شاگرد مبرد و استاد سیرافی و رمانی یکی از مشاهیر نحات و قراء بغداد می باشد . از کتب اوست : کتاب الاصول در نحو ، کتاب الاشتقاق ، شرح کتاب سیبویه ، احتجاج القراء للقراءة . کتاب الشعر و الشعراء ، الخط والهجاء ، الموجز فی النحو ، الریاح و الهواء و النار ، الجمل و کتاب المواصلات از آثار اوست . فارسی « کتاب » را در محضر او فرا گرفته است . ونیز دیوان نابغه ذبیانی در شعر و ادب را به روایت اصمعی از او تلمذ کرد .
  ۲. ابوبکر مبرمان : ابوبکر، محمد بن علی بن اسماعیل عسکری ، معروف به مبرد یا مبرمان. محل تولد مبرمان در مسیر رامهرمز بوده است . او چند کتاب به رشته تحریر در آورده از جمله کتاب «العیون»، «النحو المجموع علی العلل»، «التلقین»، «صفة الشکر المنعم» و «شرح کتاب سیبویه» که ناقص ماند. وی استاد نحو ابوسعید سیرافی نیز بوده است.
  ۳. اخفش : المسائل الکبیر اورا پیش خود وی خوانده است .
  ۴. ابواسحاق زجاج : ابراهیم بن سری بن سهل ابواسحاق زجاج متوفا به سال ۳۱۱ هـ. یکی از لغویین برجسته بصره است . زجاج به گواهی کسانی که شرح حال وی را نوشته اند ؛ اهل فضل ، متدین ، دارای عقاید درست بوده است . او به کار شیشه گری می پرداخت ولی همش او را در میان لغویین و نحاة عرب به مقام شامخی از علم رساند. او علاقه به نحو را در خود مشاهده کرد و خواهان مهارت یافتن در آن بود. زجاج نحو را پیش ثعلب نحوی شروع کرد ، سپس نزد مبرد رفت و ادبیات را بخوبی از آن دو آموخت . وی خود را با استفاده از ابزارهای دانش عربی ، یعنی قرآن و حدیث و علم لغت و تاریخ ، که هر یک از علمای معاصر وی آنها را در حد توانشان تحصیل می کردند، به این درجه علمی رساند و با فراگیری علوم تا آنجا ارتقاء درجه می یابد که زجاج شیشه گر همنشین مخصوص وزیر عبیدالله بن سلیمان بن وهب می شود و به حدی مورد اعتماد او قرار می گیرد که از وی می خواهد ادبیات را به فرزندش قاسم بیاموزد و هنگامی که قاسم بن عبیدالله به وزارت می رسد ، از طریق او مال فراوانی نصیب زجاج می گردد. ستاره بخت زجاج همواره بالا می رود تا سرانجام ندیم خلیفه عباسی المکتفی بالله می شود.
- ابوعلی فارسی و ابوجعفر نحاس مصری نزد او تلمذ کرد شاگرد دیگرش ابوالقاسم عبدالرحمان زجاجی صاحب کتاب الجمل در نحو ، خود را منتسب به او دانسته است . کتاب معانی القرآن از آثار ماندگار اوست .

۵. ابوبکر خیاط : ابو علی کتاب « معانی الشعر » را از وی درس گرفت .
۶. ابن درید : ابوبکر محمد بن حسن بن درید ازدی ۳۲۱ق ، لغت شناس، نحوی، ادیب و شاعر عرب. نسب او را همگان، به قبیله ازد رسانده‌اند. این قبیله بزرگ یمنی، پیش از ظهور اسلام، به عمان کوچید و به ازد عمان مشهور شد، خاندان ابن درید نیز از بزرگان قبیله بود. بنا به روایتی که از خود وی نقل شده است ؛ در کوی صالح بصره زاده شد. الاشتقاق در علم لغت را از نزد او آموخت .
۷. ابوبکر ابن مجاهد : بزرگترین مقری زمان خود را برای فراگیری علم قرائت برگزید و کتاب معانی القرآن فرآه بعنوان کتاب درسی اش انتخاب شده بود.<sup>۱</sup>

## شاگردان

عمر ابوعلی از حیث زمانی و مکانی دارای عمری پربرکت بوده و بسان خورشیدی جلسات درس را با نور علم و ادب برای همگان روشنایی می بخشید. مجالس درس وی دربغداد از رونق کم نظیری برخوردار بود و شاگردان زیادی از اطراف و اکناف به مجالس درس و بحث وی روی آوردند .

اودر زمان حیات استادش دو کتاب الجمل والموجز را تدریس می کرد . همچنین کتابهای دیگری در علوم مختلف نحو ، لغت و قرائت از جمله الکتاب سیبویه ، النوادر ابوزید انصاری ، المعانی زجاج و معانی القرآن فرآه والایضاح خود را برای جویندگان علم و ادب آموخت .<sup>۲</sup>

۱. سید رضی : او در تفسیرش می گوید ؛ قبل از شیخ ابوالفتح عثمان جنی ،نحو را نزد ابوعلی خواندم و نیز مختصر الجرمی ، قسمتی از کتاب الایضاح ومقدمه آنرا بعنوان شروع علم نحو ، کتاب العروض ابواسحاق زجاج و القوافی ابوالحسن اخفش – که سالهای متمادی ملازم ابوعلی بوده ،درعلم نحو استفاده وافری از او برده – درحضورش درس گرفتم .
۲. سید مرتضی :

۳. أبوعلی احمد ابن حسن اصفهانی معروف به امام مرزوقی ؛ او فردی با هوش و زیرک و مولفی زبردست بوده است ابوعلی احمد محمد بن حسن مرزوقی اصفهانی ( م ۴۲۱ ه ) معروف به امام مرزوقی و حائک. اهل اصفهان و یکی از پیشوایان زبان نحو و از شعرا و از مداحان اهل بیت علیهم السلام بود. وی "کتاب سیبویه" را نزد

<sup>۱</sup> . موسوی بجنوردی ، کاظم ، همان .

<sup>۲</sup> . موسوی بجنوردی ، کاظم ، همان .

ابوعلی فارسی خواند. در اصفهان معلم فرزندان آل بویه بود. او از عبدالله بن جعفر بن فارسی حدیث روایت کرده است. سعید بقال از وی روایت کرده و در معجم<sup>۱</sup> خود به وی استناد کرده است. صاحب بن عباد برجستگی علمی اصفهان را به سه کس مربوط می‌داند که اول آنها مرزوقی است. تیزهوشی، زیرکی و تصانیف زیبا را حموی از ویژگی‌های وی می‌داند. وی غیر از ابن المرزوق نحوی معروف (م ۷۸۱ق) است که از شاگردان خطیب دمشقی و ابوحیان بود. از آثارش: "الازمنه و الامکنه"؛ شرح اشعار هذیل، شرح: "الحماسه" ابی تمام؛ شرح "الفصیح" ثعلب؛ شرح "المفضلیات"؛ شرح "الموجز"، در نحو؛ "شرح النحو"؛ "الامالی"؛ "الفاظ المعوم والمشمول"<sup>۱</sup>.

۴. الشیخ أبو عبد الله حسین بن محمد بن جعفر بن محمد المعروف بالخالع النحوی .

۵. ابن جنی : ابوالفتح عثمان بن جنی موصلی ( ۳۲۱-۳۹۲ق)، عالم به صرف و نحو، لغت و ادب عرب. پدر او برده‌ای رومی از آن سلیمان بن فهد ازدی موصلی بود که « جنی » نام داشت و جنی به گفته سیوطی معرب گنی است. ابن جنی در موصل زاده شد از دوران کودکی و نوجوانی او اطلاعی در دست نیست. جز اینکه در آغاز جوانی در جامع موصل، به تدریس صرف مشغول بوده است. در آن هنگام ابوعلی فارسی بر آن دیار گذشت و مدرس جوان را در مسأله‌ای صرفی آزمود. چون ابن جنی از دادن پاسخ عاجز ماند، در سلک شاگردان ابوعلی درآمد و تا درگذشت استاد، یعنی ۴۰ سال تمام در سفر و حضر، ملازم او شد. نیز چنین استنباط می‌شود که آغاز زندگی و تحصیلات ابن جنی در موصل بوده و در خدمت احمد بن محمد ابوالعباس موصلی (اخفش دوم) علم نحو آموخته است. ابن جنی گر چه دست پرورده ابوعلی و برجسته‌ترین شاگرد او به شمار می‌آید، اما استادان دیگری نیز در عراق و موصل و شام داشته و خود در اجازه نامه‌ای که به نام حسین بن احمد بن نصر، نوشته به این امر تصریح کرده است. از جمله<sup>۲</sup> استادان او یکی متنبی است. ابن جنی با آنکه تا پایان عمر ابوعلی عنوان شاگردی او را داشته، قبل از درگذشت او خود استادی بزرگ به شمار می‌آمده و شماری از کتابهای خود را در حیات استاد، تألیف کرده و مورد تحسین او واقع شده است و پس از درگذشت استاد به جانشینی او بر مسند تدریس در بغداد تکیه زده سه فرزند ابن جنی به نامهای علی، عالی و علاء را نیز که تربیتی نیکو و خطی خوش داشته‌اند، می‌توان در شمار شاگردان او دانست. ابن جنی دیرزمانی با متنبی همنشین بود و به او دلبستگی داشت و خرده‌گیریهای دیگران را نسبت به او بر نمی‌تافت. هموست که نظر نامساعد استاد خود ابوعلی را نسبت به این شاعر تغییر داد و اسباب دوستی میان این دو را فراهم آورد.<sup>۲</sup>

۶. ابوالقاسم تنوخی : ابوالقاسم علی بن محمد (۲۷۸-۳۴۲ق/۸۹۲-۹۵۳م)، قاضی بزرگ، شاعر، محدث، متکلم و پدر محسن تنوخی می‌باشد. نسبت وی را به عمرو بن فهم، از ملوک قدیم تنوخ رسانده‌اند. خود نیز در

۱. اعیان الشیعه، سیدمحسن امین، ج ۳، ص ۹۴، بیروت ۱۴۰۳ ه. و رج شود به <http://www.aftabir.com/lifestyle/view/58693>

<sup>۲</sup> آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعه، قرن ۴، بیروت، ۱۳۹۰ق



قصیده‌ای به تنوخ و قومش — قضاعه — بالیده است. وی در زادگاه خود، انطاکیه پرورش یافت. در ۲۸۷ق که خلیفه معتضد به آن شهر رفت علی، کودک مکتبی بود. در آن زمان خلیفه خواست دیوار شهر را ویران کند و وساطت پیران شهر نیز بی‌اثر ماند؛ آن‌گاه پدر ابوالقاسم که مردی محتشم و سخن‌دان بود، چنان به شیوایی سخن گفت که خلیفه گریست و از آن کار دست برداشت. گویند وی بیش از ۲۰ هزار حدیث از حفظ داشت. او علاوه بر علوم دینی و ادبی چون نحو، لغت، فقه، منطق و هندسه به اخترشناسی نیز میلی فراوان داشت و نزد کسایی منجم و بنانی منجم صاحب‌الزیج، این علم را فرا گرفت. در قدرت حافظه او گفته‌اند که ۱۵ سال بیش نداشت که قصیده ۶۰۰ بیتی دعبل را در یک شبانه روز حفظ کرد. وی اشعار بسیاری از شاعران جاهلی، مخضرمین و محدثین ازبر داشت. به روایت پسرش، تنوخی را دفتری بود شامل سرفصل اشعاری که از حفظ کرده بود. این دفتر که نزد پسر یادگار مانده بود، ۲۳۰ ورق داشت. وی در علم کلام نیز صاحب‌نظر بود و در این زمینه آیین معتزله را پیشه کرده بود، و در فقه پیرو مذهب حنفی بود. تنوخی در آن فضای علمی گسترده و به یمن حافظه نیرومند خود در همه این علوم زبردست شد.

۷. علی ابن عیسی ربیع: علی ابن عیسی بن فرج بن صالح ربعی شیرازی الاصل بغدادی، مکتبی به ابوالحسن و ملقب به کمال الدین و منوعت به ابن الاخت. وی نحوی و لغوی بود و در سال ۳۲۸ ه. ق. متولد شد. ابتدا نزد ابوسعید سیرافی تحصیل کرد سپس به شیراز رفت و نزد ابوعلی فارسی تلمذ کرد و مدت بیست سال ملازم وی بود آنگاه به بغداد بازگشت و در دهم محرم سال ۴۲۰ ه. ق. در آنجا درگذشت. اوراست: ۱ - البدیع، در نحو. ۲ - التنبیه علی خطاء ابن جنی فی تفسیر شعر المتنبی. ۳ - شرح ایضاح ابی علی فارسی، در نحو. ۴ - شرح البلغة. ۵ - شرح مختصر جریمی.<sup>۱</sup>

۸. ابوطالب عبدی

۹. الازهری: «ابومنصور محمد بن احمد بن طلحة بن نوح بن الازهر» مشهور به الازهری، لغت‌شناس، ادیب، فقیه و مفسر شافعی در سال ۲۸۲ هجری قمری در هرات زاده شد. وی نزد مشاهیر علم و ادب آن شهر دانش آموخت. با آنکه منابع کهن او را شافعی مذهب می‌خوانند، ولی برخی از محققان معاصر بدلیل پاره‌ای از عبارات او در تهذیب، از جمله دشنامی را که وی به عبیدالله بن زیاد داده است، دال بر تشیع یا گرایش او به تشیع دانسته‌اند. اگرچه در فقه و تفسیر تبحر داشت، ولی آنچه مایه اصلی شهرت اوست، گردآوری و تدوین یکی از مهم‌ترین قاموس‌های زبان عربی «تهذیب اللغه» است.

ازهری در سال ۳۱۲ ق به قصد زیارت خانه خدا راهی مکه مکرمه شد. گروهی از قرمطیان در ریگزار هبیر واقع در عربستان بر کاروانی از حجاج که از مکه باز می‌گشت، تاختند. بسیاری از کاروانیان را کشتند، یا اسیر کردند و جمعی از آنان نیز بر اثر تشنگی و گرسنگی از میان رفتند. ازهری نیز که در میان کاروانیان بود، اسیر

<sup>۱</sup>. معجم المؤلفین ج ۷ ص ۱۶۴.

شد و چندی در میان گروه‌هایی از مهاجمان که از طوایف هوازن و تمیم و اسد بودند، به سر برد. خود در مقدمه تهذیب این مطالب را ذکر کرده است، و گفته است که پس از حمله و تقسیم غنایم، به دست گروهی از عرب‌های بادیه نشین افتاده که ذوق و قریحه ی بدوی داشته‌اند و به ندرت در کلامشان لحن یا خطای فاحشی راه یافته بود و از لهجه سالم و دست نخورده‌ای برخوردار بودند، لذا معاشرت با آنها را غنیمت شمرده و از آنها در انتخاب کلمات فصیح و صحیح بهره برده است.

به درستی نمی‌دانیم که او کی و چگونه از اسارت رهایی یافته است. آنچه منابع در این باره آورده‌اند، تنها شامل اشاره‌هایی مبهم است به اینکه چگونه وی در جستجوی لغت به سرزمین‌های عرب سفر کرده، یا چگونه به بغداد رفته است؛ ولی در نقل این روایات، هیچ‌گاه ترتیب تاریخ مراعات نشده است. به هر حال، وی ظاهراً اندکی پیش یا پس از اسارت به بغداد سفر و با ابن درید نیز دیدار کرد. ولی رفتار ابن درید مایه ناخشنودی و سپس انتقاد شدید از هری از او شد و اقامت او در بغداد ظاهراً به درازا نکشید و چندی بعد به هرات بازگشته و به تدوین لغت نامه ی خود پرداخته است. او تا پایان عمر در هرات زیسته و در همان شهر

در سال ۳۷۰ ق درگذشته است.<sup>۱</sup>

۱۰. جوهری: اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، عالم لغت و ادب؛ کنیه او ابونصر است و خواهرزاده ابواسحاق فارابی صاحب کتاب دیوان الادب می باشد. اصلیت او از فاراب از بلاد ترک است. جوهری در زمان خود، از حیث ذکاوت و زیرکی و علم، از عجائب روزگار بود. از بزرگان لغت و ادب و در کلام و اصول بسیار متبحر و در خوشنویسی، خط بسیار زیبایی داشت به حدی که تشخیص خط او از خط ابوعبدالله بن مقله دشوار بود. او دائم السفر بود، در عراق نزد ابوعلی فارسی و ابوسعید سیرافی زبان و ادبیات عرب را آموخت. بعد به حجاز رفت و با اعراب بادیه نشین همدم شد تا لغت و زبان معمول را از آنها بیاموزد. در بلاد "ریعه و مضر" سفر کرد. بعد از سالها رنج و تلاش که در طلب "لغت" کرد و به نتیجه مطلوب رسید، به طرف خراسان آمد، در مسیر راه که به دامغان رسید، خدمت ابوعلی حسین که از نویسندگان بزرگ بود، رفت و از او بهره ها برد. ابوعلی او را به نیشابور فرستاد. او دیگر برای همیشه در نیشابور ماند و در آنجا به تدریس و تألیف پرداخت و تعلیم خط و کتابت قرآن ها و دفترها را به عهده داشت تا از دنیا رفت. مرگ او را در سال ۳۸۶ هـ ق گفته اند. به این شکل که در او جنونی پدید آمد، به جامع قدیم نیشابور رفت و بر پشت بام آنجا بالا رفت و گفت: ای مردم من در این دنیا کاری کرده ام که کسی مانند آن نکرده است. می خواهم برای آخرت هم کاری کنم که تاکنون کسی چنان کار را نکرده است. آنوقت دو لنگه درب را به

<sup>۱</sup> . نرم افزار قاموس ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

پهلوی خود بست و آنها را با طناب سفت کرد و بر بالاترین قسمت پشت بام رفت و به قصد پریدن از بام،

فرود آمد و بر زمین افتاد و مرد!<sup>۱</sup>

۱۱. عبدالملک ابن بکران نهروانی

۱۲. رمانی نحوی معروف

۱۳. ابن قارح : ابوالحسن علی بن منصور بن طالب حلبی (۳۵۱-۴۲۴ق)، ادیب، شاعر، راوی و نحوی، ملقب به دُوْخَلَه. وی در حلب زاده شد و در همانجا نزد ابوعبدالله ابن خالویه به فراگیری نحو پرداخت ابن قارح پس از مرگ ابن خالویه راهی بغداد شد و به ابوعلی فارسی پیوست و به گفته خود او همه آثار ابوعلی را نزد او خواند. اما اشارت یاقوت مبنی بر اینکه وی از کودکی در منزل ابوعلی به خدمت مشغول بوده، درست نمی‌نماید. زیرا ابوعلی فارسی در ۳۴۱ق به حلب نزد سیف‌الدوله رفت و در ۳۴۷ق، یعنی ۴ سال قبل از ولادت ابن قارح، حلب را به قصد شیراز ترک کرد و متجاوز از ۲۰ سال در آنجا به سر برد، در این صورت وی، در دوران کودکی و حتی آغاز جوانی ابن قارح در شیراز اقامت داشته است. بر همین اساس می‌توان گفت، ابن قارح پس از بازگشت ابوعلی به بغداد برای نخستین بار به ملازمت وی در آمده است.

ابن قارح تا پایان عمر ازدواج نکرد . رساله معروفش خطاب به ابوالعلاء معری ، انگیزه تالیف رساله الغفران شده است . «رسالة» ابن قارح که ویژگیهای نثر آن روزگار را در بردارد، در قالب عباراتی مسجع و گاه فنی نگارش یافته است. این رساله در مجموعه رسائل البلغاء، به کوشش محمد کردعلی در قاهره (۱۳۳۱ق / ۱۹۱۳م) به چاپ رسیده است. همچنین کامل کیلانی آن را در جزء سوم رساله الغفران در ۱۹۲۵م و عائشه عبدالرحمان در ۱۹۶۳ و ۱۹۶۹م ضمن همان رساله در قاهره به چاپ رسانده‌اند . او به شاگردی ابوعلی بالیده است .<sup>۲</sup>

۱۴. ابوالحسین محمدبن حسین بن عبدالوارث خواهرزاده اش

۱۵. صاحب ابن عباد : ابوالقاسم اسماعیل بن عباد فرزند عباس ملقب به صاحب و مشهور به صاحب بن عباد به سال ۳۲۶ ق. در اصفهان دیده به جهان گشود. پدر و اجداد صاحب از بزرگان و سرشناسان اصفهان بوده و مرتبه وزارت داشتند. عباس پدر صاحب بدان مرتبه از بزرگی و احترام رسیده بود که مردم او را «شیخ امین» می‌گفتند. پدر صاحب و همسرش نهایت کوشش خود را در تربیت فرزند خود به کار بستند. اولین استاد

<sup>۱</sup> <http://tahoor.com/fa/Article/View/27271>.

<sup>۲</sup> . دانشنامه بزرگ اسلامی ، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، ج ۴ ص ۱۶۱۷.

صاحب، پدرش «عبّاد» بود که علاوه بر ایفای وظایف پدری استادی مهربان و دلسوز برای وی به حساب می‌آمد. «صاحب» پس از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه، حدیث، تفسیر، کلام و دیگر علوم رایج پرداخت.<sup>۱</sup>

۱۶. عبدالله ابن احمد فزاری :

۱۷. عضدالدوله دیلمی

برخی شمار شاگردان او را بیش از سی نفر ذکر کرده اند . ابوعلی تاحدی شهرت خویش را مدیون شاگردانش می باشد زیرا بسیاری از آنان پس از کسب فیض از محضرش به شهرها و کشورهای مختلف سفر کردند و آثار او را در شرق و غرب منتشر ساختند.<sup>۲</sup>

### تهمت اعتزال

صاحب ریاض العلماء می گوید : ظاهراً منظور از اعتزال همان تشیع است چراکه ابوعلی به امامیه شهرت دارد. و احتمال دارد چون اهل تسنن در مسائل اعتقادی بین شیعه و معتزله فرقی نمی گذارند، وی هم به اعتزالی معروف شده باشد.<sup>۳</sup>

صاحب أعیان مینویسد : برخی از علمای شیعه متهم به اعتزال شده اند ؛ مانند سید مرتضی که ذهبی او را به اعتزال نسبت داده است . اما منظور از آن هم رأیی در بعضی از اصول اعتقادی با معتزله می باشد . و صرف نسبت کسی به اعتزال در اثبات تشیع او کافی نیست . ولی اگر تشیع او ثابت شود ، این مسئله با نسبت اعتزال منافات ندارد .<sup>۴</sup>

### تراوش قلم

۱. أبيات الإعراب :

---

<sup>۱</sup> . /www.wikifeqh.ir

<sup>۲</sup> . موسوی بجنوردی ، کاظم ، همان ، ص ۴۸ .

<sup>۳</sup> . ریاض العلماء ، عبدالله افندی ، ج ۱ ص ۲۱۳ ، چ قم ۱۴۰۳ . ه .

<sup>۴</sup> . أعیان الشیعة ، ج ۵ ، ص ۹

این اثر را سیوطی در بغیة الوعاة به او نسبت داده و شاید این غیراز کتاب شعری است که ابن سیده ابتدای کتاب محکم اللغة، به نسبت داده است.<sup>۱</sup>

۲. إعراب القرآن :

این کتاب در کتابخانه خدیویه مصر موجود است.<sup>۲</sup>

۳. الأغفال :

درمورد معانی است که زجاج از آنها غفلت کرده ، و ابن سیده درابتدای کتاب المحکم فی اللغة به او نسبت داده ، نسخه ای از آن در خزانه مصر موجود می باشد . در اول کتاب می نویسد : هذه مسائل من کتاب أبی إسحاق الزجاج فی إعراب القرآن ذکرناها لما اقتضت عندنا منها للإغفال.<sup>۳</sup> ( اینها مسائلی از کتاب زجاج پیرامون اعراب قرآن است که مورد غفلت او قرار گرفته وما آنها را متذکر شدیم).

۴. الإيضاح :

کتابی در علم نحو ، بنا به گفته سیوطی این اثر را برای عضد الدولة نوشته ، اما وقتی او آنرا دید با تحقیر گفت که این برای کودکان است ، و وقتی تکمله برای آن نوشت چیزی آورد که ما نمی فهمیم ، صاحب ریاض نسخه ای از آنرا در خزانه وقفیه در قسطنطنیه دیده قرأت علی ابن الجوالیقی سنه ۵۲۸ و نسخه آخری کتابتها سنه ۶۲۰ و فیها أيضا شرح الشيخ عبد القادر الجرجانی علیه و هو شرح لطیف و نسخته عتیقه (أقول) و يوجد الآن أيضا فی مکتبات إسلامبول. مکتبه محمد پاشا کوپرلی زاده و مکتبه شیخ الإسلام ولی الدین أفندی. و مکتبه العاطف كما يظهر من فهرسها.<sup>۴</sup>

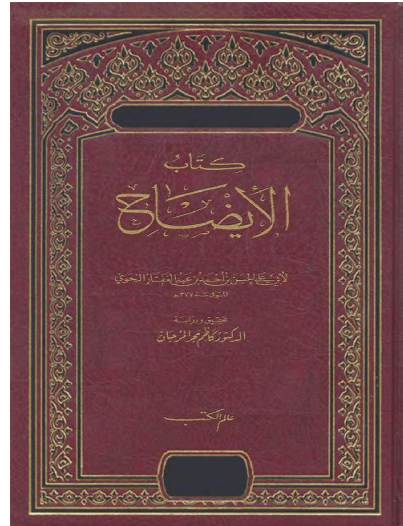
---

<sup>۱</sup> . الذریعه ، ج ۱ ص ۸۰ .

<sup>۲</sup> همان ، ج ۲ ص ۲۳۵ .

<sup>۳</sup> همان ص ۲۵۳ .

<sup>۴</sup> همان ص ۴۹۲ .



۵. تفسیر اَبی علی الفارسی :

سیوطی در النوع الثمانین از کتاب الإیتقان فی علوم القرآن اورا از مفسرین برشمرده ، و نیز کشف الظنون ، و شیخ طوسی فی تفسیر التبیان از او مطالبی نقل می کند <sup>۱</sup>.

۶. التکملة :

در علم نحو که در کتابخانه العاطف إسلامبول موجود است <sup>۲</sup>.

۷. المسائل الحلییات :

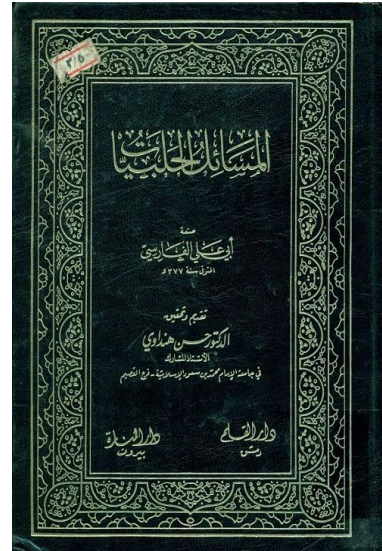
در کتابخانه السلطان محمد الفاتح و نیز کتابخانه عبد الحمید خانموجود است . بنا به گفته صاحب کشف الظنون ج ۱ ص ۴۵۱ موضوع آن علم نحو می باشد . و قال فی الریاض الحلییة مسائل فی النحو لأبی علی الفارسی <sup>۳</sup>.

---

<sup>۱</sup> همان ج ۴ ص ۲۵۵ .

<sup>۲</sup> . همان ص ۴۰۹ .

<sup>۳</sup> . همان ج ۷ ص ۶۲ .



۸. الکرمانیة : پیرامون مسائل نحوی است .<sup>۱</sup>

۹. مسائل الأهوازیات :

ابن سیده در ابتدای کتاب المحکم فی اللغة به او نسبت داده ، اما صاحب الریاض گفته : احتمال دارد منظورش همان المسائل الشیرازیات باشد .<sup>۲</sup>

۱۰. المسائل البصریة :

در نحو، ذکره فی الریاض و سیوطی هم این اثر را به نسبت داده است .<sup>۳</sup> به تحقیق محمد الشاطر در ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م در قاهره چاپ شده است .<sup>۴</sup>

۱۱. المسائل الحلبیات :

در کتابخانه سلطان محمد الفاتح و کتابخانه عبد الحمید خان المعظمه موجود است .<sup>۵</sup>

۱۲. المسائل العسکریات :

سیوطی این کتاب را ذکر کرده است .<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> . همان ج ۱۷ ص ۲۹۲ .

<sup>۲</sup> . همان ج ۲۰ ص ۳۳۷ .

<sup>۳</sup> . همان ص ۳۳۸ .

<sup>۴</sup> فهرس التراث، سید محمد حسین حسینی جلالی ، ج ۱ ، ص ۴۱۹ . ناشر: انتشارات دلیل ما ، قم .

<sup>۵</sup> . همان ص ۳۴۵ .

<sup>۶</sup> . همان ص ۳۵۷ .

۱۳. المسائل القصريات :

سیوطی این کتاب را جزء آثار او نام برده است .<sup>۱</sup>

۱۴. المسائل الكرمانيات :

سیوطی در کتاب البغیه به اونسبت داده است .<sup>۲</sup>

۱۵. المسائل المجلسيات :

حکاه فی الرياض عن مختصر تاریخ ابن خلکان .<sup>۳</sup>

۱۶. المسائل الشيرازيات :

در کتابخانه راغب پاشا اسلامبول و نیز نسخه ای از این اثر در « الخزانة الغرویه » با خط مصنف موجود است که در روی آن این گونه نوشته شده : « قرأ علی أبی غالب أحمد بن سابور هذا الكتاب و كتب الحسن بن أحمد الفارسی ». این عبارت را در آخر همه قسمت‌های سیزده گانه کتاب نوشته است . این کتاب را در منزل خودش تدریس کرده و شاگردش در اول فصل‌های مختلف چنین نوشته است : « قرأتها علی أبی علی بن أحمد بن عبد الغفار النحوی أیده الله ۳۶۳ ثم كتب قال الشيخ أبو علی الحسن بن أحمد بن عبد الغفار النحوی أرضاه الله بعفوه کتبتها لمولانا الملك الجلیل عضد الدولة أطل الله بقاءه و أدام سلطانه و ثبت ملكه ». یعنی این کتاب را نزد أبی علی بن أحمد خواندم و شیخ گفت که این اثر را بنام عضد الدولة نوشته ام .

۱۷. المسائل المشکله معروف به البغداديات<sup>۵</sup> :

---

۱ . همان ص ۳۶۲ .

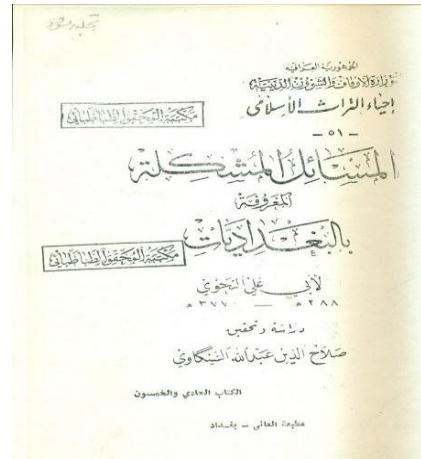
۲ . همان ص ۳۶۳ .

۳ . همان ص ۳۶۵ .

۴ . الذریعه ، شیخ آغابزرگ تهرانی ، ج ۲۰ ص ۳۵۴ ، قم ۱۴۰۳ ق .

۵ . معجم الأدباء ، یاقوت حموی ، ج ۳ ، ص ۴۱۷ .





## جرعه های جاری

بسیاری از شاگردان وحتى دیگران بر آثار قلمی ابوعلی شرح نوشته اند ، این شرحها از یک طرف دلیل بر وزانت و مرتبت علمی و شأن بالای او در علوم مختلف ، از طرف دیگر اهمیت آثارش نزد دیگران ، و نیز برجستگی او را بعنوان یک مرجع در دانشهای اسلامی که باید به آیندگان انتقال یابد ، نشان می دهد . ما به تعدادی از این جرعه های همواره جاری در زمانها و مکانهای مختلف اشاره می کنیم :

(۱) نظم الإيضاح : نوشته أبو العباس أحمد بن علی أزدی مهلبی حمصی (۵۶۷ - ۶۴۴).<sup>۱</sup>

(۲) منظومه فی نظم التکملة : أبو العباس أحمد بن علی أزدی .<sup>۲</sup>

## وفات

در تاریخ وفات وی اندکی اختلاف وجود دارد ابن ندیم وفاتش را پیش از ۳۷۰هـ نوشته ، اما با توجه به اینکه تنوخی در سال ۳۷۵ هـ در مجلس درس وی حاضر می شده است این تاریخ در سن نیست و اکثر مولفان تاریخ وفات او را در ربیع الاول ۳۷۷هـ دانسته اند . او در مقبره شونیزیه به خاک سپرده شد . او وصیت کرده بود که ثلث داراییش را که به ۳۰۰۰۰ دینار می رسید بین نحوایان بغداد تقسیم کنند .<sup>۳</sup>

## در حدیث دیگران

معجم الأدباء : حسن بن أحمد أبو علی فارسی نامدار عالم و علم و ادبش شهره شهرها است . او یگانه زمانه در ادبیات عربی و به اعتقاد اکثر شاگردانش از مبرد قویتر بوده است . کتابهای عجیب و مفیدی تالیف کرد که همانندی نداشت .

<sup>۱</sup> . الذریعه ج ۲۴ ص ۱۹۹ .

<sup>۲</sup> . الذریعه ج ۲۳ ص ۱۴۴ .

<sup>۳</sup> . موسوی بجنوردی ، کاظم ، همان ، ص ۴۸ .

شاگردان تیز هوش و مبرزی در درس او شرکت می کردند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . معجم الأدباء، یاقوت حموی، ج ۳، ص ۴۱۴.

## منابع

۱. دائره المعارف نو ، عبدالحسين سعیدیان ، ج ۴ ، ص ۳۳۶۶ ، ج ۱ ، س ۱۳۷۸ ، تهران .
۲. دائره المعارف فارسی ، غلامحسین مصاحب ، ج ۲ ص ۱۸۲۳ ، ج ۴ ، س ۱۳۸۳ ، تهران .
۳. الموسوعه العربيه العالميه ، بی نام ، ص ۵۲۲ ، ج ۱۶ ، ج ۲ ، ۱۴۱۹ ق ، ریاض .
۴. اعیان الشیعه ، سیدمحسن امین ، ج بیروت ۱۴۰۳ هـ .
۵. الذریعه ، شیخ آغابزرگ تهرانی ، قم ۱۴۰۳ ق .
۶. وفيات الاعیان، ابن خلکان ، ۱۳۶۴ قم .
۷. ریاض العلماء ، عبدالله افندی ، ج قم ۱۴۰۳ هـ .
۸. الفهرست ، ابن ندیم ، ترجمه محمدرضا تجدد، ج سوم ، ۱۳۶۶ تهران .
۹. روضات الجنات ، محمدباقر خوانساری ، ج قم ۱۳۹۱ هـ .
۱۰. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج، ۱۴۰۶ قم .
۱۱. تکمله امل الامل، سید حسن صدر، ج بیروت ۱۴۲۹ .
۱۲. لغت نامه دهخدا ۶۷۵/۳ .
۱۳. معجم الادباء ، أبی عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی حموی ، چاپ بیروت دارالکتب العلمیه .
۱۴. حقائق التاویل فی متشابه التنزیل، سید شریف رضی ، محمد ابن حسین ، نشر دارالمهاجر .